



10.22059/jis.2022.345028.1129

Research Paper

Religious pathology of Safavid Iran from the perspective of Mohaqeq Sabzevari in Rozatol-Alnwar Al-abbasi

Yahya Bouzarinejad¹ | Mohammad Hossein Jamalzadeh^{2✉}  | Saeid Arianpour³

1. Associated Prof., Department of Islamic Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: y_bouzarinejad@ut.ac.ir
2. Corresponding Author; PhD student of Muslim social science, Department of Islamic Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: jamalzadeh@ut.ac.ir
3. Department of Islamic Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: s.aryanpur.k@gmail.com

Article Info.

Abstract

Received:
2022/07/08

Accepted:
2022/09/21

Keywords:

Mohaqeq Sabzevari, Safavid, Iran, Shah Abbas II, Rozatol-Alnwar Al-abbasi, Practical wisdom, Religious pathology.

One of the scholars who studied Safavid pathology during the Safavid dynasty, while holding the highest religious position in the government, is Mullah Mohammad Baqir Sabzevari, well-known as Mohaqeq Sabzevari. In his book *Rozatol-Alnwar Al-abbasi*, written at the request of Shah Abbas II, in addition to providing guidelines for ruling the government and principles for statecraft, he tried to describe the harms that the Safavids suffered. This study seeks to answer this question: from the perspective of Sabzevari in the book *Rozatol-Alnwar Al-abbasi*, what social harms did Safavid suffer from? Therefore, using a descriptive-analytical method and collecting datasets by library searching, the following findings have been reached: Sabzevari's religious pathology of Safaviya, according to the type of damage mentioned by him, is classified in five fields: pathology of religion, religious knowledge, religious society, religiosity and religious institutions. Sabzevari has been working as a social reformer to improve the livelihood and resurrection of the people, the reformist idea in *Rozatol-Alnwar Al-abbasi* is based on the practical wisdom of Islam and It shows a justice-oriented and compassionate approach to the general public. *Rozatol-Alnwar Al-abbasi* should also be mentioned as a text in order to formulate and realize the model of faithful politics, which, based on Islamic beliefs, judgments and ethics, offers a method of ordering good and forbidding bad, at a time when social reform is possible only through accompanying kings. In this book, he has stated his meaning in many cases with ironic expression, and in some cases, he has directly described the harms Sabzevari

considers three factors to be involved in order to fix the mentioned damages and preserve and survive the government, which arise from the specific foundations of his political thought: 1- Inner factor: improving the ruler's inner (spiritual) relationship with God 2- External factor: improving the relationship of the ruler with the people and Statesmen in observing the principles of statecraft 3- External and internal factors: justice and peace with the people and fight against oppression and oppressors.

How To Cite: Bouzarinejad, Yahya; Jamalzadeh, Mohammad Hossein; Arianpour, Saeid (2023). Religious pathology of Safavid Iran from the perspective of Mohaqeq Sabzevari in Rozatol-Alnwar Al-abbasi. *Journal of Iranian Studies*, 13 (2), 97-116.

Publisher: University of Tehran Press.





آسیب‌شناسی دینی ایران عصر صفوی از منظر محقق سبزواری در روضه‌الانوار عباسی

یحیی بوذری نژاد^۱ | محمدحسین جمال‌زاده^۲ | سعید آرین‌پور^۳

۱. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: y_bouzarinejad@ut.ac.ir
۲. نویسنده مسئول؛ دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: jamalzadeh@ut.ac.ir
۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: s.aryanpur.k@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

یکی از افرادی که در دوران سلطنت صفویه درحالی که بالاترین منصب مذهبی را در حکومت داشت، به آسیب‌شناسی دینی صفویه دست یازید، ملا محمدباقر سبزواری مشهور به محقق سبزواری است. او در کتاب *روضه‌الانوار عباسی* که به درخواست شاه عباس دوم نوشت، تلاش کرد علاوه بر ذکر رهنمودهایی برای اداره حکومت و اصولی برای مملکت‌داری، آسیب‌هایی را که صفویه بدان دچار بود، بیان کند. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که از منظر محقق سبزواری در کتاب *روضه‌الانوار عباسی*، صفویه دچار چه آسیب‌هایی بوده‌است؟ از این‌رو با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با گردآوری کتابخانه‌ای داده‌ها، به یافته‌های زیر رسیده‌ایم: آسیب‌شناسی دینی سبزواری از صفویه، در پنج زمینه آسیب‌شناسی دین، معرفت دینی، جامعه دینی، دین‌داری، نهادهای دینی دسته‌بندی می‌شود. اندیشه اصلاحی در *روضه‌الانوار عباسی* او مبتنی بر حکمت عملی اسلام است و رویکرد عدالت‌محورانه و مهرورزانه در قبال عامه مردم در آن مشهود است. همچنین باید موضوع کتاب *روضه‌الانوار عباسی* را تدوین و تحقیق الگوی سیاست‌ورزی مؤمنانه دانست که مبتنی بر اعتقادات و احکام و اخلاق اسلامی، شیوه‌ای از امر به معروف و نهی از منکر اجتماعی را به دست می‌دهد. سبزواری در بسیاری موارد با بیانی کنایی، منظور خود را گفته و در برخی موارد هم به تصریح مستقیم آسیب‌ها پرداخته‌است. سبزواری برای رفع آسیب‌های مذکور و حفظ و بقای حکومت، سه عامل را دخیل می‌داند که برخاسته از مبانی خاص اندیشه سیاسی اوست: ۱. عامل باطنی: اصلاح رابطه باطنی (معنوی) حاکم با خداوند؛ ۲. عامل ظاهری: اصلاح رابطه حاکم با مردم و دولت‌مردان در رعایت اصول مملکت‌داری؛ ۳. عامل ظاهری و باطنی: عدالت‌ورزی و مهرورزی با مردم و مبارزه با ظلم و ظالم.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۴/۱۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۰۶/۳۰

واژه‌های کلیدی:

محقق سبزواری، صفویه، ایران، شاه عباس دوم، *روضه‌الانوار عباسی*، حکمت عملی، آسیب‌شناسی دینی.

استناد به این مقاله: بوذری نژاد، یحیی؛ جمال‌زاده، محمدحسین؛ آرین‌پور، سعید (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی دینی ایران عصر صفوی از منظر محقق سبزواری در *روضه‌الانوار عباسی*. *فصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی*، ۱۳ (۲)، ۹۷-۱۱۶.



مقدمه

آسیب‌شناسی حکومت‌ها و سلسله‌های پادشاهی، به‌خصوص در ایران، پیشینه مفصلی دارد و جزو علایق تحلیل‌گران تاریخی است. حکومت صفویه نیز همچون سایر سلسله‌های پادشاهی، پس از زوال، مورد توجه مورخان و پژوهشگران قرار گرفته و علل شکوفایی و زوال و انحطاط آن، موضوع بررسی‌های تاریخی بوده‌است.

یکی از افرادی که در دوران سلطنت صفویه، درحالی که بالاترین منصب مذهبی را در حکومت داشت، به آسیب‌شناسی دینی صفویه پرداخت، ملا محمدباقر سبزواری مشهور به «محقق سبزواری» است. او در کتاب *روضه‌الانوار عباسی* که به درخواست شاه عباس دوم نوشته‌است، تلاش کرده علاوه بر ذکر رهنمودهایی برای اداره حکومت و اصولی برای مملکت‌داری، آسیب‌هایی را که صفویه دچارش بوده، بیان کند.

آسیب‌های اجتماعی، مجموعه‌ای از بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی هستند که به دلیل رعایت نکردن هنجارهای اجتماعی پدید می‌آیند. آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که خارج از چهارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام مردم باشد؛ خواه این اصول و قواعد جنبه رسمی داشته باشند یا افراد جامعه به طور غیررسمی آن را پذیرفته باشند. به همین دلیل با منع قانونی یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبه‌رو می‌شود و کجروان سعی دارند کجروی‌های خود را از دید ناظران قانون و اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان سازند؛ زیرا در غیر این صورت با پیگرد قانونی و تکفیر اخلاقی و طرد اجتماعی مواجه می‌شوند (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۵).

آنچه در آسیب‌شناسی محقق سبزواری، ملاک مطالعه آسیب‌های اجتماعی در نظر گرفته شده، ملاک دینی است؛ چه آنکه در یک جامعه اسلامی، ملاک تمییز و تشخیص هنجارهای اجتماعی با معارف دینی معین می‌شود و عالمان شیعی با اندیشه اصلاح‌گری مبتنی بر معارف دینی به امور اجتماعی و سیاسی توجه داشته‌اند.

سبزواری در کتابش، گونه‌ای از فقه اجتماعی را که قائل به شأن زعامت برای پیامبر و امام معصوم علیهم‌السلام است، مطرح کرده‌است؛ از این رو مباحث آن آمیخته به دستورهای اخلاقی و حکمت‌های عقلی و احکام شرعی است. فقه اجتماعی، فقهی است که در حوزه نهادها و سازمان‌ها و روابط آن‌ها با همدیگر و همچنین روابط افراد با نهادها و روابط افراد جامعه با یکدیگر، به وضع و تنظیم احکام و مقررات فقهی، اخلاقی و عقلی اقدام می‌کند (بوذری‌نژاد، ۱۴۰۰: ۵).

پژوهش حاضر درصدد بیان آسیب‌شناسی دینی صفویه از منظر یکی از وارسته‌ترین و برجسته‌ترین عالمان و متفکران اجتماعی آن دوره است که بعدها خط اندیشه و فکر او را سایر اندیشمندان و عالمان و حکیمان شیعه پی گرفتند. اهمیت کار سبزواری از اینجا واضح می‌شود که باوجود داشتن بالاترین منصب مذهبی، دست به آسیب‌شناسی دینی زد.

مسئله پژوهش

ملا محمدباقر سبزواری، یکی از عالمان و فقیهان برجسته دوره صفویه است که مورد توجه دربار بود و منصب شیخ‌الاسلامی صفویه و امامت جمعه پایتخت را به عهده داشت. وی به درخواست شاه عباس دوم، کتابی در خصوص آیین و اصول مملکت‌داری و کشورداری می‌نویسد و نام *روضه‌الانوار عباسی* را برای آن انتخاب می‌کند. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که از منظر محقق سبزواری در کتاب *روضه‌الانوار عباسی*، صفویه دچار چه آسیب‌های بوده‌است؟

در پی این پرسش، ضروری است به پرسش‌های دیگری نیز توجه شود: محقق سبزواری این آسیب‌ها را چگونه تحلیل کرده و چه پاسخی برای رفع آن‌ها داشته‌است؟ رویکرد سبزواری در تحلیل آسیب‌های اجتماعی چه بوده‌است؟ لحن و خطاب سبزواری در ذکر آسیب‌های اجتماعی چگونه است؟ امتداد اندیشه سیاسی سبزواری در کدام طبقه از اندیشمندان و عالمان شیعه پیگیری شده‌است؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و رهیافت آن، روش‌شناسی دیدگاه‌های محقق سبزواری درباره آسیب‌های صفویه در کتاب *روضه‌الانوار عباسی* است. در روش تحلیلی تاریخ، با کمک نظریه‌ها و مفاهیم نظری و تئوریک، در گفت‌وگو با عقل سلیم بازیگران تاریخی یا مفاهیم نظری یک دوره تاریخی خاص، به فهم و تفسیر تاریخ پرداخته می‌شود (کافی، ۱۳۹۸: ۳۳)؛ از این رو شیوه گردآوری داده‌های این پژوهش، روش کتابخانه‌ای و اسنادی است.

پیشینه پژوهش

پژوهشگران بیشتر از جنبه ماهیت سیاست‌نامه‌ای به کتاب *روضه‌الانوار عباسی* توجه داشته‌اند و کمتر به گزارش‌هایی که مربوط به آسیب‌های صفویه است توجه کرده‌اند؛ برای نمونه، لکزایی و باقریان (۱۳۸۸) به نگرش تاریخی سبزواری در این کتاب توجه کرده‌اند و در پی پاسخ به این پرسش بوده‌اند که آیا سبزواری تعقلی تاریخی داشته یا نه، و درصدد بازشناسی سبزواری در جایگاه فیلسوف تاریخ هستند. علاوه بر این، لکزایی (۱۳۸۰) در *اندیشه سیاسی محقق سبزواری* نیز این رویکرد را پی گرفته و به تفصیل به مبانی اندیشه سیاسی او پرداخته‌است.

فیضی سخا (۱۳۹۸) در طرح مسئله‌اش اذعان کرده که به دنبال بررسی آسیب‌های اجتماعی صفویه از نگاه سبزواری است، اما بیشتر به سمت بازخوانی مبانی نظری او رفته و چنین نتیجه گرفته‌است که

«روضه‌الانوار عباسی از برجسته‌ترین آثار باقی‌مانده از این دوره است که مبانی اندیشه سیاسی و آیین حکمرانی از نظرگاه سبزواری را بیان کرده و در این قالب با پیروی از رویکردهای مرآتی و سلوکی، تلاش‌های زیادی را برای ارائه گونه‌ای دستورالعمل حکومتی در قالب حکمت عملی برای شاه عباس دوم انجام داده است» (همان: ۱۳۲). علاوه بر این، در بازنمایی رویکرد مرآتی و سلوکی سبزواری نیز چندان توانمند عمل نکرده و نتوانسته وجود این رویکرد را به‌خوبی تبیین کند.

نیک‌زاد و رفیعی (۱۳۹۴) بیشتر از حیث نظری به روضه‌الانوار عباسی توجه کرده‌اند و به دنبال استخراج مبانی نظری مشروعیت نظم سلطانی در نگاه سبزواری بوده‌اند و درباره روضه‌الانوار عباسی و دیگر سیاست‌نامه‌های شیعی چنین نتیجه گرفته‌اند که «اساسی‌ترین نقطه مشترک این آثار، تأکید بر نظریه ولایت عدول مؤمنین» و عرضه قرائتی جدید از «نظم سلطانی» و مشروعیت آن در دوران غیبت است» (همان: ۱۲۱).

چهارچوب نظری

۱. آسیب اجتماعی

هر فرد انسانی فطرتاً اجتماعی است (طباطبائی، ۱۳۴۸: ۵)، به طوری که تاریخ و آثار مشهود نشان می‌دهند انسان پیوسته در حال اجتماع زندگی می‌کرده است. نمی‌توان خاصیت اجتماعی بودن انسان را از بین همه خواص انسانی او جدا کرد و گفت این خاصیت در اول پیدایش به کامل‌ترین صورت پیدا شده است، بلکه این خصوصیت انسان، مثل همه خواص دیگر انسانی که ارتباط به دو نیروی علم و اراده دارند، به تدریج در انسان به حد کمال می‌رسند (همان: ۷).

محقق سبزواری به تبع برخی از فیلسوفان اجتماعی مسلمان، انسان را «موجود مدنی بالطبع» می‌داند (سبزواری، ۱۳۸۱: ۳۱). خصلت اجتماعی بودن هیچ‌گاه از انسان جدا نشده، اما در اوایل، آدمی به تفصیل و گسترده به آن توجه نداشته و به حکم پیروی از خواص دیگر خویش مانند استخدام و دفاع که در آن زمان مورد عنایتش بوده، زندگی و رشد می‌کرده است (طباطبائی، ۱۳۴۸: ۸). رفته رفته سازماندهی و خصوصیات جامعه انسانی از تحت حاکمیت غریزه خارج شده و به دست خود انسان‌ها و مبتنی بر خرد و ارزش‌های هر جامعه به وجود آمده و نسل به نسل منتقل شده است (صدیق روستایی، ۱۳۸۷: ۴).

این خصوصیات به مرور زمان به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی تبدیل شده و شیوه‌های رفتار و قواعد تعیین‌کننده کنش اجتماعی انسان را شکل داده‌اند که پیروی از آن‌ها موجب تعادل و ثبات و نظم در آن جامعه می‌شود. هنجارها بایدها و نبایدهایی هستند که رفتار اجتماعی را تعریف می‌کنند. برخی هنجارهای اجتماعی جنبه اختیاری دارند و برخی دیگر همچون قوانین رسمی جامعه، جنبه اجباری دارند.

هنجارهای اجباری در جوامع عمدتاً موجب واکنش‌های منحرفانه‌ای در افراد می‌شود؛ زیرا هرچه فشار و اجبار بیشتری بر کنش انسان وارد آید، واکنش شدیدتری از خود نشان می‌دهد (فرجاد، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۴). آسیب‌های اجتماعی با وجود داشتن تنوع و نسبیّت، پدیده‌های واقعی هستند. جهل و بی‌اطلاعی از آسیب‌های اجتماعی، نافی آن‌ها نیست و قانونمند بودن آسیب‌ها، کنترل‌پذیری آن‌ها را ممکن می‌سازد؛ از این رو آسیب‌های اجتماعی را می‌توان پیشگیری و درمان کرد؛ البته پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای مبتنی بر شناخت علمی ویژگی‌ها و قانونمندی‌های حاکم بر تحول آسیب‌ها در آن جامعه و به‌کارگیری یافته‌های علمی در فرایند برنامه‌ریزی‌های اجتماعی است (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۶).

۲. آسیب‌شناسی دینی

آسیب‌شناسی در لغت به معنای ریشه‌یابی بیماری‌هاست. از این واژه عمدتاً در علوم زیستی استفاده می‌شود و استفاده آن در علوم اجتماعی به سبب تشبیه جامعه به بدن انسان و یک بافت زنده است؛ از این رو آسیب‌شناسی اجتماعی به معنای مطالعه بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی و ریشه‌یابی علل بروز و رشد آسیب‌های اجتماعی است (شیخاوندی، ۱۳۸۶: ۴۹). به نظر برخی از اندیشمندان اسلامی، جامعه موجود زنده‌ای است که قوانین و قواعد و سنن اختصاصی خود را دارد و روح واحدی می‌تواند بر آن حکم فرما باشد. این روح واحد همان فرهنگ حاکم است و افراد انسانی اعضای آن هستند (مطهری، ۱۳۷۴: ۶۲۲). روح واحد جامعه، روح کل است، نه مجموع حیات افراد انسانی؛ بنابراین حیات جامعه همچون صورتی است که بر ماده موجودیت افراد تأیید است و موجب وحدت آن‌ها می‌شود (همان، ۱۳۷۵: ۱۵۴).

برای مطالعه آسیب‌های اجتماعی و تشخیص رفتارهای نابهنجار، باید ملاک و معیاری انتخاب شود که با آن بتوان تشخیص داد چه رفتاری در یک سازمان و نهاد یا جامعه مقبول و هنجار است و چه رفتاری غیرمقبول و نابهنجار. برخی از محققان علوم اجتماعی چهار ملاک برای آسیب‌شناسی اجتماعی نام می‌برند: ملاک آماری، ملاک اجتماعی، ملاک فردی، ملاک دینی (فولادی، ۱۳۸۴: ۳۶).

ملاک سبزواری در مطالعه آسیب‌شناسی اجتماعی صفویه، دینی است؛ زیرا در جامعه اسلامی ملاک تمییز و تشخیص هنجارهای اجتماعی را معارف دینی معین می‌سازد و عالمان شیعی با اندیشه اصلاح‌گری مبتنی بر معارف دینی، به امور اجتماعی و سیاسی توجه داشته‌اند. مبنای نظری برای آسیب‌شناسی دینی صفویه، دیدگاه متفکر شهید، مرتضی مطهری، است که در ادامه می‌آید. می‌توان گفت شهید مطهری نخستین کسی است که اصطلاح آسیب‌شناسی دینی را وارد حوزه اندیشه دینی کرد (مطهری، ۱۳۸۰: ۳۳). وی معتقد است «طرز تفکر مسلمین در عصر حاضر درباره اسلام آسیب دیده است [که] مربوط به تلقی ما مسلمانان از اسلام است. ما اگر بخواهیم این طرز تفکر را بررسی کنیم، باید مثل طبیبی که بیماری را بررسی می‌کند، بررسی کنیم. اولین کار طبیب این است که او را تحت معاینه قرار

می‌دهد، می‌خواهد بیماری‌اش را تشخیص بدهد، از او سؤالاتی می‌کند، سوابقش را می‌پرسد، عوارضی را که الآن دچارش هست می‌پرسد، گذشته‌اش را از او می‌پرسد و همه کوششش این است که در درجه اول بیماری‌اش را تشخیص بدهد، پس از آن در مقام معالجه برمی‌آید» (همان: ۹۴).

آسیب‌شناسی دینی به معنای شناخت آسیب‌ها و اشکالاتی است که بر دین و معرفت دینی و جامعه دینی و دین‌داری متدینان و کارکرد نهادهای دینی وارد شده‌است (دژاکام، ۷). به باور شهید مطهری، آسیب‌شناسی دینی شامل موارد زیر است:

۱. آسیب‌شناسی دین: شناخت آسیب‌ها و آفاتی که به اصل شناخت و باور دینی زیان می‌رساند. آسیب‌هایی چون تحریف، خرافه، هدف قرار دادن دین به جای واسطه قرار دادن آن، انتساب دروغ به خدا و پیامبر و مواردی از این دست (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۱-۲۶).

۲. آسیب‌شناسی معرفت دینی: هدف در این نوع آسیب‌شناسی، شناخت آسیب‌ها و آفاتی است که به معرفت آدمیان از دین ضرر می‌رساند. این آسیب‌ها و آفات در برخی موارد معطوف به روش‌های فهم از دین است همچون عقل‌گرایی محض و اخباری‌گری و عمل‌گرایی. در این حالت، بسیاری از مفاهیم دینی، معنای درست و حقیقی خود را از دست داده و معنای دیگری به خود می‌گیرند (همان: ۱۷۱-۱۹۹).

۳. آسیب‌شناسی جامعه دینی: شناخت آسیب‌ها و آفاتی که ممکن است یک جامعه دینی به دلیل داشتن ماهیت دینی به آن‌ها مبتلا شود؛ آفاتی همچون سالوس‌بازی، زهدگرایی، سنت‌گرایی منفی (همان: ۲۷۹-۳۱۳).

۴. آسیب‌شناسی دین‌داری: شناخت آفات و موانعی که در عمل موجب گریز دین‌باوران، به‌خصوص جوانان، از دین می‌شود. ارائه فهم معیوب از دین، غفلت از کارکردهای فردی و اجتماعی دین، عدم پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی، از آسیب‌های دین‌داری است (همان: ۳۶۳-۴۲۵).

۵. آسیب‌شناسی نهادهای دینی: شناخت آسیب‌ها و آفاتی که دامن‌گیر نهادهای دینی‌ای همچون حوزه‌های علمیه و سایر نهادهایی می‌شود که متولی امور دینی جامعه هستند. در این میان، آسیب‌شناسی یکی از عمده‌ترین و مهم‌ترین نهادهای دینی، یعنی نهاد روحانیت، اهمیت ویژه‌ای دارد (همان: ۲۱۳-۲۷۶).

درباره محقق سبزواری

ملا محمدباقر بن محمد مؤمن خراسانی سبزواری مشهور به «محقق سبزواری» در سال ۹۸۷ خورشیدی در روستای نامن در اطراف سبزواری به دنیا آمد. پس از فوت پدرش به همراه خانواده برای ادامه تحصیل به اصفهان مهاجرت کرد که آن زمان هم پایتخت دولت صفوی بود و هم مرکز علوم دینی آن دوران (مهردوی، ۱۳۷۱: ۵۴). او توفیق شاگردی بزرگانی همچون شیخ بهایی و مجلسی اول و میرفندرسکی را داشت و تلاش کرد علاوه بر فقه و علوم نقلی، در علوم عقلی نیز عمیق شود؛ از این رو تألیفات وی در هر دو حوزه علوم نقلی و عقلی برجسته است و می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: در فقه: *ذخیره المعاد*،

کفایة الاحکام، رسالۀ فی الغنا؛ و در فلسفه: حاشیۀ علی الشفاء، حاشیۀ علی شرح الاشارات.

مهدوی (همان: ۱۰۳) به بیش از چهل کتاب و رساله از سبزواری اشاره کرده و احتمال داده تألیفات دیگری نیز برای ایشان در اسناد و نسخ خطی موجود باشد که هنوز شناسایی نشده‌است. سبزواری پس از اینکه در جایگاه یکی از عالمان برجسته دوران خود شهرت یافت، به درخواست شاه عباس دوم، منصب شیخ‌الاسلامی و امام‌جمعه اصفهان را پذیرفت و تا پایان عمر ۷۳ ساله‌اش (وفات: ۱۰۵۸ خورشیدی) در این منصب بود. دوران حیات وی هم‌زمان با سلطنت شاه عباس اول، شاه صفی اول، شاع عباس دوم، شاه سلیمان بود. رابطه سبزواری با شاه عباس دوم آن‌قدر تنگاتنگ و صمیمی بود که چندین اثر از جمله روضة‌الانوار عباسی و مفاتیح‌النجاه عباسی و جامع‌الزیارات به درخواست او نگاشته شده‌است (آشتیانی، ۱۳۷۸: ۱۱۹).

از مشی علمی سبزواری چنین برمی‌آید که توجهش معطوف «به مسائل موردنیاز جامعه و حذف مسائل غیرضروری و نادرالوقوع از بحث‌های فقهی و همچنین درک این مسئله است که باید به مشکلات و نیازهای روز جامعه توجه کرد و به آن‌ها پاسخ داد» (لکزایی، ۱۳۸۰: ۵۰). جمع بین مقام علمی و سیاسی، آن‌هم در بالاترین درجات، نشان‌دهنده نوع و توان و تبحر سبزواری دارد که در آن دوران و با وجود کثرت عالمان و محققان، توانست به چنین جایگاهی دست یابد.

درباره روضة‌الانوار عباسی

روضه‌الانوار عباسی معجونی از معارف اسلامی است که برای اداره حکومت و مملکت‌داری مفید است و به تعبیر برخی، مهم‌ترین اثری است که درخصوص مبانی اندیشه سیاسی شیعه نگاشته شده‌است (همان: ۲۰)؛ چه آنکه در مهم‌ترین دوره تعاملات مذهب و سیاست، یعنی دوره صفویه، نوشته شده‌است. این کتاب از یک مقدمه و دو بخش تشکیل شده‌است. مؤلف در مقدمه درخصوص فواید حکومت سخن گفته و اسباب دوام و ثبات حکومت را بیان کرده و پس از آن دلایل زوال و سقوط حکومت‌ها را بررسی کرده‌است. اگر کسی بدون آنکه انگیزه سبزواری را از تألیف روضة‌الانوار عباسی بداند، بخش (قسم) اول کتاب را بخواند ممکن است با خود بگوید این کتابی است درخصوص فضایل اخلاقی و دستورهای شرعی، اما سبزواری چون از دریچه حکمت عملی اسلام به سیاست و مملکت‌داری توجه دارد و سلطنت را دو قسم فاضله و ناقصه می‌داند، این بخش را مقدم کرده‌است (سبزواری، ۱۳۸۱: ۴۶۵).

یکی از ابتکارات سبزواری در کتابش این است که فقه را مقدمه اخلاق، و مبانی کلامی را مقدمه فقه قرار داده و مبانی کلامی‌اش بر مبانی فلسفی‌اش استوار است (لکزایی، ۱۳۸۰: ۱۰۵) همان‌گونه که برخی از علما همچون فاضل مقداد کتاب النافع یوم الحشر فی شرح باب حادی عشر چنین ابتکاری را به خرج داده‌اند. از طرف دیگر می‌توان گفت سبزواری در کتابش فقه اجتماعی را مبتنی بر قرائتی مطرح

ساخته که برای پیامبر و امام معصوم شأن زعامت قائل است.

او در بخش اول کتاب در هفت باب به امور ارزشی و دینی که لازمه سیاست و حکومت‌داری است پرداخته‌است؛ موضوعاتی همچون معرفت‌های ضروری در اصول دین، مراتب اختلاف ایمان، توبه و بازگشت، اخلاق شریفه نفسانیه، مراعات حقوق دیگران، امر به معروف و نهی از منکر. علاوه بر این، به نظر می‌رسد مقدم داشتن این بخش در *روضه‌الانوار عباسی* با انگیزه به صلاح آوردن پادشاهان و درباریان و دولت‌مردان بوده‌است؛ به خصوص که برخی مفاسد اخلاقی و گناهان کبیره در دربار صفوی رواج گسترده‌ای داشته‌است، تاجایی که در دوره شاه عباس اول و شاه عباس دوم چندین بار فرمان ممنوعیت شرب خمر در داخل و خارج دربار صادر شد، اما پس از مدتی دوباره رواج یافت (طاهری، ۱۳۸۴: ۳۹۶؛ دانشگاه کمبریج، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

بخش دوم کتاب مربوط به آیین حکومت‌داری و مملکت‌داری است و همان چیزی است که در انگیزه سبزواری برای تألیف کتاب در مقدمه، به آن تصریح شده‌است: «گاهی به خاطر می‌رسید که کتابی تألیف نماید مشتمل بر آنچه پادشاهان را در کار باشد، بر حسب نجات و رستگاری اخروی و آنچه ایشان را نافع باشد به حسب تدبیر و مصلحت ملکی؛ شاید مستحسن نظر کیمیای نواب اعلی گردد، و فقیر قدری از حقوق عبودیت رعایت نموده باشد. لیکن بی‌اشاره اعلی اقدام به این امر نمی‌نمود تا آنکه قائل توفیق مساعدت نموده، میسر عینی بشارت قدسی رسانید و از جانب اعلی اشاره اشرف به امر مذکور، عز صدور یافت» (سبزواری، ۱۳۸۱: ۱۹).

بخش دوم کتاب در پنج باب نوشته شده که عبارت است از: در تعدید آداب و سنن پادشاه، در تدبیر و سلوک پادشاه نسبت به طبقه اهل قلم، در آداب تدبیر و سلوک پادشاه نسبت به طبقات دیگر، غیر طبقه اهل قلم، در ذکر بعضی قوانین کلیه که متعلق است به ملک، در ترجمه عهدی که حضرت امیرالمؤمنین جهت مالک اشتر نخعی نوشته بودند.

نگرش تاریخی سبزواری در *روضه‌الانوار عباسی* صرف و محض نیست و تاریخ را برای تاریخ بازخوانی نمی‌کند، بلکه می‌توان گفت او دیدگاهی فلسفی به تاریخ دارد. از آنجاکه وی به ذکر سنت‌های اجتماعی همچون ظهور و سقوط تمدن‌ها و سقوط دولت‌ها و سنت الهی امهال می‌پردازد، می‌توان گفت او به اصالت جامعه و تاریخ معتقد است و از نظرگاه او تاریخ دارای سنت‌ها و ضوابط معینی است و چرخه تاریخ و وقایع دنیا اتفاقی و تصادفی نیست (لک‌زایی و باقریان، ۱۳۸۸: ۱۰-۱۲). رویکرد او در نوشتن *روضه‌الانوار عباسی* این بوده که از تطویل کلام بپرهیزد و عبارات و اصطلاحات سنگین و پیچیده به کار نگیرد تا کتاب برای فهم عموم مردم مناسب باشد.

آسیب‌شناسی دینی صفویه در روضه‌الانوار عباسی

تشکیل حکومت صفویه در ایران با به رسمیت شناختن تشیع به‌عنوان مذهب رسمی کشور همراه بوده‌است. این اتفاق، دوره‌ جدیدی از تعاملات مذهبی را در ایران رقم زد و به نظر برخی، یگانه چیزی که می‌توانست در آن دوره، وحدت فرهنگی ایرانیان را حفظ کند و موجب استقلال ایران شود، عامل مذهب و به طور خاص، مذهب تشیع بوده‌است (نجفی، ۱۳۹۸: ۲۲).

در آن دوران، دو دیدگاه مبنایی درخصوص همکاری با پادشاهان و سلاطین عصر صفوی در میان عالمان شیعی متداول بود. عده‌ای از عالمان شیعی مخالف همکاری با پادشاهان و سلاطین بودند و اعتقاد داشتند در دوران غیبت، هر حکومت و پادشاهی که شکل بگیرد، مصداق حکومت طاغوت است و همکاری با آن مصداق همکاری با سلطان جائر است که حکم آن در فقه شیعه حرمت است (حسینی خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲: ۴۶۲)؛ برخی از علمای دوره‌ صفویه همچون مقدس اردبیلی و فرزند شهید ثانی، چنین دیدگاهی داشتند و معتقد بودند حکومت در دوران غیبت مخصوص فقیه جامع‌الشرایط است که در دوره‌ غیبت، نیابت عام از امام معصوم دارد (مقدس اردبیلی، ۱۳۷۹: ۱۶۱؛ جزایری، ۱۴۲۹: ۵۷). با این حال دولت صفوی مراقب بود طبقه‌ای خاص و مستقل از علمای مخالف، در برابر پادشاه و عالمان موافق شکل نگیرد (کشاوری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۸).

عده‌ای دیگر از عالمان شیعی که موافق همکاری با پادشاهان و سلاطین بودند، هرچند در مبنا با مخالفان مشترک اشتراک داشتند و معتقد بودند حکومت در دوران غیبت به عهده‌ نایبان عام ائمه، یعنی فقهای جامع‌الشرایط، است (کرکی و دیگران، ۱۳۷۰: ۷۴)، از باب مصلحت عمومی و حفظ مذهب و اجرای احکام شرعی، جواز همکاری با پادشاهان را صادر کردند و اساساً پادشاه را مأذون فقیه جامع‌الشرایط دانستند و از این رو همکاری با او را جایز شمردند (موسوی خوانساری، ۱۳۹۰ ق: ۳۶۱). این نظر آن قدر در دوران صفوی شهرت داشت که حتی جهانگردان اروپایی و مستشرقانی که به ایران سفر کردند، آن را گزارش داده‌اند (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۳۹-۱۴۱).

با این توضیح به نظر می‌رسد سبزواری جزو دسته‌ دوم است که شاه را مأذون فقیه می‌داند و ضرورت حکومت پادشاهان را از باب مصلحت حفظ نظام اجتماعی و اصول و احکام دین می‌داند. سبزواری (۱۳۸۱: ۳۲-۳۳) در *روضه‌الانوار عباسی* به ضرورت حکومت پادشاهی - که پیروی از سیرت و سنت امام اصل کند - چنین اشاره می‌کند: «و در آن زمان که امام از نظرها غایب و پنهان باشد به‌حسب حکمت‌ها و مصلحت‌ها، و... اگر پادشاهی عادل مدبر که کدخدایی و ریاست این جهان نماید در میان خلق نباشد، کار این جهان به فساد و اختلال انجامد و منتظم نشود و هیچ کس را تعیش ممکن نباشد، بلکه لابد و ناچار و ضرور است خلق را از پادشاهی که به عدل زندگانی نماید و پیروی سیرت و سنت امام اصل کند».

رویکرد سبزواری در بیان آسیب‌های حکومت بیشتر جنبه سلبی دارد و به عواملی که به انحطاط و اضمحلال منجر می‌شود می‌پردازد و راه‌های برون‌رفت از آن را مطرح می‌سازد؛ از این‌رو در مقدمه کتاب، اسباب زوال و دوام حکومت را بیان می‌کند که از نگاه او عبارت‌اند از: ترک شکر نعمت، غرور و عجب و خودبینی، ظلم، عدم برخورد با کارگزاران ظالم، اشتغال پادشاه به امور لاهوتی، ناتمام گذاشتن امور جاری، تندخویی و درشت‌گویی، بخل و خست، بذل و بخشش بیجا، تفرق رعیت، قلت لشکریان، منازعه درباریان، تفویض امور به غیرمتخصصین، فسق و معصیت الهی، تغییر رفتار پس از پادشاهی (همان: ۳۴-۶۳).

آنچه در این بخش جالب‌توجه است، گزارش‌ها و تحلیل‌های تاریخی‌ای است که نشان‌دهنده وجود این آسیب‌ها در دربار صفوی است (صفت گل، ۱۳۸۸: ۷۷-۱۰۰؛ نوایی و غفاری فرد، ۱۳۹۰: ۲۸۳-۲۸۹)، تاجایی که برخی معتقدند انحطاط و اضمحلال صفویه، فروپاشی آن از درون بوده‌است (کاظمی راشد، ۱۳۹۵).

بیان سبزواری در ذکر آسیب‌های صفویه، در برخی موارد بسیار صریح و در برخی کنیایی و در برخی دیگر تجویزی است و همه این‌ها دلالت بر وجود آسیب‌هایی در جامعه و حکومت صفوی دارد. در مجموع، آسیب‌شناسی دینی سبزواری از صفویه را به‌حسب سنخ آسیب‌های ذکرشده توسط ایشان، و بنا بر مبنای نظری اتخاذ شده، می‌توان در پنج زمینه آسیب‌شناسی دین، معرفت دینی، جامعه دینی، دین‌داری و نهادهای دینی دسته‌بندی کرد که به شرح زیر است. به جهت استناد آسیب‌ها به بیان سبزواری در کتاب، عبارتی که شاهد بر وجود چنین آسیبی بوده، ذکر می‌شود.

۱. آسیب‌شناسی دین

- ۱-۱. ادعای اجتهاد افراد سودجو: «گروهی که از مرتبه اجتهاد به‌غایت دور باشند، دعوی حصول آن مرتبه کنند و به‌واسطه بی‌دینی و حب جاه، از خدا شرم نکنند و از محاسبه روز جزا اندیشه نمایند و دعوی ناحق کنند و در اضلال و فریب عوام‌الناس و مردم ضعیف‌العقول کوشند» (سبزواری، ۱۳۸۱: ۵۵۸).
- ۲-۱. تکفیر حکیمان و فیلسوفان: «و اکثر اوقات، جمعی از اهل حدیث و فقه که بیش از ظواهر بعضی آیات و احادیث نفهمیده‌اند و به اعماق آیات شریفه و غوامض اسرار احادیث نرسیده‌اند، طبقه علمای حکمت را بالکلیه انکار و تجهیل می‌نمایند و در این باب مبالغه از حد گذرانند و بسیار باشد که تکفیر ایشان بالکلیه نمایند و قائل به اسلام یکی از ایشان نشوند» (همان: ۵۵۷).
- ۳-۱. تفسیق و تجهیل عالمان دینی: «و بسیار باشد که تجهیل افاضل و دانشمندان کنند، بلکه کسانی که سخن ایشان را نفهمند، تکفیر کنند» (همان: ۴۵۲).
- ۴-۱. زهدفروشی و ترویج تصوف حيله‌گرانه به قصد سوءاستفاده از مردم: «بسیار از زهاد و متصوفان که اظهار زهد را دام صید خلق سازند تا به آن وسیله به اغراض فاسده دنیویه فایز شوند و بسیاری از متره‌دان و متصوفان چنین بوده‌اند و هستند که اظهار زهد و دوری از دنیا کنند و در آن لباس، طالب دنیا باشند» (همان: ۲۷۶).

۲. آسیب‌شناسی معرفت دینی

- ۱-۲. تحریف مفاهیم دینی به دست متصوفه: «بعضی از جاهلان متصوفه گویند که توکل آن است که بی زاد و توشه، بی رفیق و قافله به بیابان درآید» (همان: ۲۶۴).
- ۲-۲. وجود عالمان بی‌عمل و بی‌بهره از علم و حکمت: «بسیار کسان باشند که مسائل علوم، جمع و حفظ نمایند و نکات و دلایل که به طریق تقلید و تلفیف فراگرفته باشند، در اثنای محاوره و مناظره و مدارسه بر وجهی ایراد کنند که مستمعان تعجب نمایند ... ولی وثوق نفس و اطمینان که ثمره علم و حکمت بود، در ضمائر ایشان مفقود بوده باشد» (همان: ۲۷۵).
- ۳-۲. حضور افراد ناشایست و کم‌سواد بر منابر و در مساجد: «محراب و منبر را که در اصل مکان پیغمبران و امامان است از مردم باطل بی‌حاصل نگاه دارد تا عوام و ضعفاء العقول اگر مسائل از ایشان فراگیرند، فریب نخورند و گمراه نشوند» (همان: ۴۵۱ و ۴۵۲).

۳. آسیب‌شناسی جامعه دینی

- ۱-۳. تغییر سبک اصیل زندگی مردم: «سبب وقوف و انحطاط دولت‌ها آن بوده که رغبت آن قوم به مال و جاه بسیار شده و مردم ضعیف‌العقول نیز به آن رغبت نموده‌اند و با ایشان مخالط شده و سیره ایشان به دیگران سرایت کرده، تا آنکه سیرت‌های اول گذاشته‌اند» (همان: ۴۶۹).
- ۲-۳. دلسوزی نکردن برای مردم: «رعایا و زیردستان امانتی چندند که خدای عزوجل نزد پادشاهان سپرده، بر ایشان لازم است که حفظ امانت بکنند و در روز بازخواست از عهده امانت بیرون آمده باشند» (همان: ۱۵۵).
- ۳-۳. ضعف ارتباط شاه با مردم: «حق آن است که پادشاه راهی قرار داده باشد که اگر عمال دادرسی مظالم و مظلوم نکنند، او را طریقی باشد به آنکه عرض حال خود به خدمت پادشاه نماید و راه مظلومان بالکلیه به جانب پادشاه مسدود نباشد و از جهت این کار ایشان روزهایی مقرر می‌داشته باشد» (همان: ۱۶۹).
- ۴-۳. خرابی کشور و نبود انسجام ملی: «دیگر از اسباب زوال ملک، خرابی مملکت و بی‌سرانجامی و تفرق رعیت است؛ چه هرگاه بلاد و نواحی رو در خرابی کند و پادشاه در تدارک نکوشد، روزبه‌روز خرابی زیاد شود و از خرابی محال و تفرق رعایا به رونق پادشاهی راه یابد» (همان: ۵۹).
- ۵-۳. رها کردن قراردادهای و معاملات: «هرگاه معاملات کلی در میان باشد و هنوز فیصل تمام نیافته باشد و اصلاح‌ها و مرمت‌ها جهت انتظام امور در کار باشد، پادشاه تدارک و اصلاح آن مهمات و اتمام امر، چنانچه باید، امور را در هم گذاشته، خود از پی شهوتی از شهوت‌ها یا فراغتی از فراغتها رود» (همان: ۵۳).

۳-۶. بخل و خست پادشاه: «وقتی پادشاه بخل وزد و طبع‌ها از او رمیده شود و دوستی او از دل‌ها برود و لشکران به طوع و رغبت جهت او کوشش و جان‌فشانی نکنند...» (همان: ۵۸).

۴. آسیب‌شناسی دین‌داری

۴-۱. تظاهر و ریاکاری: «کسانی که بذل مال کنند جهت تحصیل تمتعات دنیوی و شهوات بدنی یا از روی ریا [صدقه] دهند...» (همان: ۲۷۸)، «... افعال عادلان صادر شود از گروهی از جهت ریا» (همان: ۲۷۹).

۴-۲. اشتغال پادشاه به لهو و خوشگذرانی: «دیگر از اعظم اسباب زوال ملک، بسیاری اشتغال پادشاه به شرب و لهو و لذات و غفلت از امور مُلک و تفویض امور به امرا و وزرا [است]» (همان: ۳۹).

۴-۳. خشم و خشونت: «چون آتش غضب پادشاه زود مشتعل شود و به آب حلم تسکین نیابد، مسارعت در غضب و انتقام نماید و ندامت کلی حاصل شود و بسیار باشد که از آن، خلل‌های کلی متولد گردد و رخنه‌ها در مُلک حادث شود» (همان: ۲۸۷).

۴-۴. رواج فسق و فجور: «آن است که در فسوق و معاصی جری باشد و متابعت احکام الهی ننماید و عَلم عصیان و طغیان برافرازد» (همان: ۶۱).

۵. آسیب‌شناسی نهادهای دینی

۵-۱. دوری اهل علم از دربار و تقرب بی‌سوادان به دربار: «بر پادشاه لازم است که تمیز میان مراتب اهل کمال بنماید و مراتب تواضع و تکریم نسبت به هر یک به اندازه دانش و کمال عقل و صلاح او مرعی دارد... چه اکثر اوقات، صاحبان کمال به جهت آنکه دنیا در نظر ایشان چندان مقداری ندارد به مقربان ملوک خوش‌آمدگویی و مخالطت کمتر می‌کنند... به خلاف مردمان کم‌دانش کم‌عقل که هرگاه اندک بضاعتی از علم دارند در ترویج آن بسیار می‌کوشند و خود را سرآمد روزگار بازمی‌نمایند» (همان: ۳۵۸).

۵-۲. امامت افراد بی‌صلاحیت در اقامه نماز جمعه: «جماعتی دیگر که اهلیت امامت نماز جمعه ندارند، امامت جمعه می‌کنند و به همین قناعت نکرده، جماعتی را که اعلم‌اند و واجب‌الاطاعه‌اند و بر ایشان لازم است که تقلید و متابعت کنند، تفسیق و تجهیل و تضلیل می‌کنند» (همان: ۱۰۷).

۵-۳. حضور افراد ناشایست و کم‌سواد بر منابر و در مساجد: «محراب و منبر را که در اصل مکان پیغمبران و امامان است از مردم باطل بی‌حاصل نگاه دارد تا عوام و ضعفاءالعقول اگر مسائل از ایشان فراگیرند، فریب نخورند و گمراه نشوند و بسیار کسان باشند که با قَلت معرفت و عدم وقوف علم بر منابر روند و عوام را فریب دهند و احکام ملل را فراخور خواهش خود بازنمایند» (همان: ۴۵۱ و ۴۵۲).

۵-۴. منازعه مسئولان و دولت‌مردان: «دیگر از اسباب زوال ملک، خصومت و عداوت و منازعه است میان امرا و خواص پادشاه... چه خواص هرگاه با یکدیگر منازع باشند، نسبت به مَلِک شرط اخلاص بجا

نیاورند» (همان: ۶۰)

۵-۵. رشوه‌خواری قضات: «دیگر سُحت، مانند رشوه در حکم شرعی خوردن، چنانچه عمل قضات این زمان است» (همان: ۱۲۵).

۶-۵. برخورد نکردن با ظلم کارگزاران: «دیگر از اسباب زوال ملک، آن است که پادشاه اگرچه خود ظالم نباشد، اما امرا و عمال او ظلمی کرده باشند و پادشاه دست تعدی ایشان را کوتاه نکند و به اعمال ایشان راضی باشد یا بنا بر قلت التفات به امور مُلکی، خبر از ظلم و تعدی ایشان نداشته باشد و این صورت در مفسده مثل صورت اول است، بل فساد در این قسم بیشتر است» (همان: ۳۸).

۷-۵. تفویض امور به افراد غیرمتخصص و غیرمتعهد: «دیگر از اسباب زوال ملک، تفویض کارهاست به جماعتی که اهل آن کار نباشند، چنانچه ظلم و تعدی کنند یا در آن کار خود بی وقوف باشند یا امین نباشند و خیانت کنند یا سفله و دنی باشند» (همان: ۶۱).

۸-۵. مشورت نکردن در عزل و نصب‌ها: «در عزل و نصب عمال و ارباب مناصب، اندیشه‌ها باید کرد و مشاورات باید نمود و به حقیقت باید رسید» (همان: ۷۳۰)

۹-۵. ضعف نظام توزیع حقوق و مزایا: «اندازهٔ مرسوم و مقرر و موجب هر یک را موافق اندازه و حد تعیین باید نمود که نه چنان باشد که مقررات ایشان وافی به معاش ایشان نباشد و نه چنان باشد که نسبت به حد و مرتبه و اندازهٔ شغل و حق خدمت ایشان زیاد باشد که چون طریقهٔ زیادتی معمول شود، مرتبه مرتبه توقعات هر کس زیاد شود و کار به جایی رسد که هیچ کس به هیچ حد راضی نشود و مداخل ملک وفا به توقعات و طمع‌های خلق نکند» (همان: ۶۷۸).

۱۰-۵. مجازات نکردن بازدارندهٔ عوامل متخلف: «و حاجز آن قوم از خلاف حساب و خیانت کردن، اغلب اوقات به غیر از بیم و خوف از جانب پادشاه چیزی نیست. چون این معنی رفع شود دیگر چه چیز حاجز ایشان تواند بود؟» (همان).

یافته‌های پژوهش

از تصریح سبزواری درخصوص انگیزه‌اش برای نگارش کتاب چنین فهمیده می‌شود که فکر نگارش چنین کتابی، مدت‌ها پیش از درخواست شاه عباس دوم در ذهن او وجود داشته و حتی اگر درخواست شاه نمی‌بود، احتمال نگارش این کتاب بسیار زیاد بود (سبزواری، ۱۳۸۱: ۱۹)؛ از این رو نمی‌توان و نباید جایگاه سبزواری را به کسی که صرفاً به فکر تأمین منافع صفویه بوده و به دنبال ثبات‌بخشی به قدرت بوده، تقلیل داد. چنانچه سبزواری به دنبال تثبیت جایگاه خود بود و انگیزه‌اش از همراهی با صفویه شخصی بود، اساساً نباید به فکر نگارش چنین کتابی و با چنین موضوعی می‌افتاد، بلکه باید با تدبیر دیگری خود را به شاه نزدیک‌تر می‌کرد و دیگران را دورتر. حتی این احتمال نیز وجود دارد که زمینه‌سازی‌های فکری

و انگیزشی اولیه برای درخواست شاه عباس دوم را خود سبزواری انجام داده باشد؛ چه آنکه اولاً شاه عباس دوم در دهسالگی به پادشاهی رسیده (دانشگاه کمبریج، ۱۳۸۷: ۱۰۲) و زمینه زیادی برای تأثیرپذیری از شخصیت کسی همچون سبزواری داشته و ثانیاً رابطه این دو با هم به دلیل حضور خلیفه سلطان در دربار در مقام صدراعظم بسیار خوب بوده است (مدرسی تبریزی، ۱۳۶۹: ۲۴۲) و تأثیرات سبزواری و سایر فقهای زمانه بر شاه و شیوه حکمرانی‌اش در گزارش‌های تاریخی انعکاس یافته (دانشگاه کمبریج، ۱۳۸۷: ۱۱۴) و شیوه عدالت‌ورزی و فسادستیزی‌اش ریشه در ارتباطات او با علما و اندیشمندان داشته است (هولت و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۴۷).

در پاسخ به مسئله اصلی پژوهش که «از منظر محقق سبزواری در کتاب *روضه‌الانوار عباسی*، صفویه دچار چه آسیب‌های بوده است؟» چنین به دست آمد که با توجه به آسیب‌شناسی دینی سبزواری، حکومت صفویه به پنج دسته آسیب دچار بوده است: آسیب‌های مربوط به دین، آسیب‌های مربوط به معرفت دینی، آسیب‌های مربوط به جامعه دینی، آسیب‌های مربوط به دین‌داری و آسیب‌های مربوط به نهادهای دینی. در پاسخ به این سؤال فرعی پژوهش که «محقق سبزواری این آسیب‌ها را چگونه تحلیل کرده و چه پاسخی برای رفع آن‌ها داشته است؟ رویکرد سبزواری در تحلیل آسیب‌های اجتماعی چه بوده است؟» چنین به دست آمد که تألیف *روضه‌الانوار عباسی* نشان می‌دهد سبزواری در قامت یک مصلح اجتماعی چگونه برای اصلاح امور معیشت و معاد مردم در تکاپو بوده است. با توجه به ماهیت آسیب‌هایی که در دوران سبزواری وجود داشته و از آنجا که امر به معروف و نهی از منکر یکی از ارکان اندیشه اصلاحی سبزواری است، نبوغ و شخصیت و دوراندیشی‌اش به گونه‌ای بوده که باید او را در ردیف مصلحان اجتماعی قرار داد (مطهری، ۱۳۸۸: ۱۰۰). سبزواری برای رفع آسیب‌های مذکور و حفظ و بقای حکومت، سه عامل را دخیل می‌داند که برخاسته از مبانی خاص اندیشه سیاسی اوست: ۱. عامل باطنی: اصلاح رابطه باطنی (معنوی) حاکم با خداوند؛ ۲. عامل ظاهری: اصلاح رابطه حاکم با مردم و دولت‌مردان در رعایت اصول مملکت‌داری؛ ۳. عامل ظاهری و باطنی: عدالت‌ورزی و مهرورزی با مردم و مبارزه با ظلم و ظالم (سبزواری، ۱۳۸۱: ۱۵۷).

در همین باره، یکی از یافته‌های پژوهش، رویکرد عدالت‌محورانه و مهرورزانه سبزواری به عامه مردم است. او در جای‌جای کتاب از عدالت و انصاف با رعیت و مردم سخن گفته و پادشاه را به رعایت عدالت و معدلت در امور، به خصوص در مواجهه با مردم و اصناف، توجه و تذکر داده است (سبزواری، ۱۳۸۱: ۳۹، ۱۵۳، ۴۳۳، ۷۵۰). گزارش‌های تاریخی نیز از تأثیر مثبت این رویکرد سبزواری بر شاه عباس دوم و شهرت او به عدل و انصاف سخن می‌گویند (دانشگاه کمبریج، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

علاوه بر این، باید *روضه‌الانوار عباسی* را متنی برای تدوین و تحقق الگوی سیاست‌ورزی مؤمنانه

دانست که مبتنی بر اعتقادات و احکام و اخلاق اسلامی، شیوه‌ای از سیاست‌ورزی مؤمنانه در زمانه‌ای به دست می‌دهد که امکان اصلاح اجتماعی جز از طریق همراهی با پادشاهان میسر نبوده‌است؛ چه آنکه سبزواری از حیث مبنا قائل به حاکمیت و ولایت فقها در مقام نمایان ائمه اطهار علیهم‌السلام در دوران غیب است. با وجود این به سبب حفظ مصلحت عمومی و ترویج دین و احکام الهی، شاه را مأذون فقیه می‌داند (سبزواری، ۱۳۸۱: ۳۲ و ۳۳). با اینکه سبزواری برای پادشاه چنین جایگاهی قائل است، امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ارکان اندیشه سیاسی عالم فرزانه‌ای همچون سبزواری است، به او اجازه نمی‌دهد در برابر آسیب‌ها و مفاسد سکوت کند؛ در واقع امر به معروف و نهی از منکر نقطه آغاز و مبنای حرکت سیاست‌ورزی اوست.

در پاسخ به سؤال فرعی دیگر که «لحن و خطاب سبزواری در ذکر آسیب‌های اجتماعی چگونه‌است؟» چنین به دست آمد که سبزواری برای تحقق مطلوب خود در سیاست‌ورزی مؤمنانه و امر به معروف و نهی از منکر پادشاه و تلاش برای تحقق بیشتر احکام الهی از طریق عامل اجرایی پادشاهی، در بسیاری موارد با بیانی کنایی و در لفافه منظور خود را گفته و در برخی موارد هم به تصریح مستقیم، آسیب‌ها را برشمرده‌است. از مجموع آسیب‌های مذکور چنین به دست می‌آید که سبزواری در بیان صریح آسیب‌هایی که مربوط به نهاد دین و عالمان و روحانیان بوده (آسیب‌های دینی)، هیچ ابایی نداشته و آن‌ها را با جزئیات شرح داده و در موارد دیگر بیشتر با بیان کنایه‌ای سخن گفته‌است.

تطبیق‌های زیرکانه سبزواری از آسیب‌هایی که در دوره صفویه وجود داشته‌است و انعکاس آن‌ها در قالب بیانی اندرگونه و خطابی در بخش دوم کتاب نشان می‌دهد اطلاع او از آسیب‌های اجتماعی زمانه‌اش کاملاً عینی و ناظر به واقع بوده و او راه حل و رفع این آسیب‌ها را توجه به حکمت عملی اسلام می‌دانسته‌است. چه آنکه تلاش کرده آنچه در کتابش بیان می‌کند «استشهاد به آیات بیّنات قرآنی و احادیث شریفه نبویه و الفاظ مبارکه حضرات ائمه هدی، خصوصاً امام المشرق و المغرب، امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیهم‌السلام و التحیه» (سبزواری، ۱۳۸۱: ۲۰) داشته باشد. با احصای نگارندگان این مقاله، محقق سبزواری در *روضه‌الانوار عباسی* به بیش از ۱۳۴ آیه قرآن کریم استناد کرده و بیش از ۵۲۰ روایت از ائمه اطهار علیهم‌السلام ذکر کرده‌است.

اما درخصوص آخرین سؤال فرعی پژوهش که «امتداد اندیشه سیاسی سبزواری در کدام طبقه از اندیشمندان و عالمان شیعه پیگیری شده‌است؟» باید گفت اندیشه اصلاحی و مبتنی بر حکمت عملی سبزواری در نگاه‌ها و اندیشه‌های افرادی همچون محمدتقی الماسی، ملا اسماعیل خواجه‌ی، قطب‌الدین نیری، آقا محمد بیدآبادی، سید جعفر کشفی تأثیر گذاشته‌است. این گروه از اندیشمندان و عالمان که در طبقه فیلسوفان شیعه می‌گنجد، در کنار توجه به حکمت نظری همواره به حکمت عملی، به‌خصوص

سیاست مُدن، توجه ویژه‌ای داشته‌اند (فدایی مهربانی، ۱۳۹۵).

نتیجه

از آنچه در کتاب *روضه‌الانوار عباسی* به قلم ملا محمدباقر سبزواری نوشته شده، چنین برمی‌آید که وی علاوه بر بیان مبانی اندیشه سیاسی و اصول مدیریت و کشورداری، به آسیب‌شناسی صفویه نیز پرداخته‌است. تمایز کار سبزواری در این است که او صرفاً سیاست‌نامه‌نویس نیست، یعنی به دنبال بیان دستورالعمل‌های کلی نیست، بلکه در قامت مصلح اجتماعی به آسیب‌شناسی صفویه دست یازیده و توصیه‌های مبتنی بر واقعیت‌ها و آسیب‌های اجتماعی است که با آن مواجه بوده‌است. از مشی علمی سبزواری چنین برمی‌آید که توجهش معطوف به مسائل موردنیاز جامعه و حذف مسائل غیرضروری و نادرالوقوع از بحث‌های فقهی و همچنین درک این مسئله است که باید به مشکلات و نیازهای روز جامعه توجه کرد و به آن‌ها پاسخ داد (لک‌زایی، ۱۳۸۰: ۵۰).

کتاب *روضه‌الانوار عباسی* از حیث موضوع و محتوا به گونه‌ای است که می‌توان آن را در چندین علم جای داد. از طرفی حاوی نکات اخلاقی ارزنده است که آن را در علم اخلاق جای می‌دهد و از طرف دیگر حاوی دستورالعمل‌های سیاسی است و در علم سیاست جای می‌گیرد و از طرف سوم مبتنی بر دیدگاه‌های کلامی است که می‌توان آن را در ردیف کتاب‌های کلامی شیعه قرار داد. بالاین حال *روضه‌الانوار عباسی* معجونی از معارف اسلامی است که برای اداره حکومت و مملکت‌داری مفید است. یکی از ابتکارات سبزواری این است که فقه را مقدمه اخلاق و مبانی کلامی را مقدمه فقه قرار داده و مبانی کلامی‌اش بر مبانی فلسفی‌اش استوار است.

او در بخش اول کتاب خود در هفت باب به امور ارزشی و دینی که لازمه سیاست و حکومت‌داری است، پرداخته‌است؛ موضوعاتی همچون معرفت‌های ضروری در اصول دین، مراتب اختلاف ایمان، توبه و بازگشت، اخلاق شریفه نفسانیه، مراعات حقوق دیگران، امر به معروف و نهی از منکر؛ اما بخش دوم کتاب مربوط به آیین حکومت‌داری و مملکت‌داری است و همان چیزی است که در انگیزه سبزواری برای تألیف کتاب در مقدمه به آن تصریح شده‌است یعنی آیین مملکت‌داری. بخش دوم کتاب در پنج باب تنظیم شده که عبارت است از: در تعدید آداب و سنن پادشاه، در تدبیر و سلوک پادشاه نسبت به طبقه اهل قلم، در آداب تدبیر و سلوک پادشاه نسبت به طبقات دیگر، غیرطبقه اهل قلم، در ذکر بعضی قوانین کلیه که متعلق است به ملک، در ترجمه عهدی که حضرت امیرالمؤمنین جهت مالک اشتر نخعی نوشته بودند.

روضه‌الانوار یکی از یافته‌های پژوهش، رویکرد عدالت‌محورانه و مهرورزانه سبزواری به عامه مردم است. او در جای‌جای کتاب از عدالت و انصاف با رعیت و مردم سخن گفته و پادشاه را به رعایت عدالت

و معدلت در امور، به‌خصوص در مواجهه با مردم و اصناف، توجه و تذکر داده‌است. علاوه بر این، باید روضه‌الانوار عباسی را متنی برای تدوین و تحقق الگوی سیاست‌ورزی مؤمنانه دانست که مبتنی بر اعتقادات و احکام و اخلاق اسلامی، شیوه‌ای از سیاست‌ورزی مؤمنانه در زمانه‌ای به دست می‌دهد که امکان اصلاح اجتماعی جز از طریق همراهی با پادشاهان میسر نبوده‌است.

منابع

- آشتیانی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۸)، *منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران*، جلد ۲، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- بوذری نژاد، یحیی (۱۴۰۰)، *روش‌شناسی دانش اجتماعی مسلمین؛ رویکردهای فقهی*، تهران، دانشگاه تهران.
- جزایری، سید نعمت‌الله (۱۴۲۹)، *الانوار النعمانیة فی بیان معرفة النشأة الانسانیة*، الجلد الثالث، بیروت، دارالقاری.
- حسینی خاتون‌آبادی، سیدعبدالحسین (۱۳۵۲). *وقایع السنین و الاعوام*، تهران، اسلامیه.
- دانشگاه کمبریج (۱۳۸۷)، *تاریخ ایران*، جلد ۶، ترجمه یعقوب آژند، چاپ ۳، تهران، جامی.
- دژاکام، علی (۱۳۸۴)، *تفکر فلسفی غرب از منظر استاد مرتضی مطهری*، تهران، معارف.
- سبزواری، محمدباقر (۱۳۸۱). *روضه‌الانوار عباسی*، به کوشش نجف لکزایی، قم، بوستان کتاب.
- شاردن، ژان (۱۳۴۵)، *سیاحت‌نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، جلد ۸، تهران، امیرکبیر.
- شیخاوندی، داوود (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی ایران*، چاپ ۲، تهران، قطره.
- صدیق روستایی، رحمت‌اله (۱۳۸۷)، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، چاپ ۲، تهران، سمت.
- صفت‌گل، منصور (۱۳۸۸)، *فراز و فرود صفویان*، تهران، کانون اندیشه جوان.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۴). *تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران؛ از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس*، چاپ ۵، تهران، علمی و فرهنگی.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۴۸)، *روابط اجتماعی در اسلام*، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، تهران، بعثت.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۳)، *مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران (خرداد ۱۳۸۱)*، تهران، آگاه.
- فدایی مهربانی، مهدی (۱۳۹۵)، *حکمت، معرفت و سیاست در ایران: اندیشه سیاسی عرفانی در ایران*، از مکتب اصفهان تا حکمای الهی معاصر، تهران، نی.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۸)، *آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران، بدر.
- فولادی، محمد (۱۳۸۴)، «علل و عوامل پیدایش آسیب‌های اجتماعی و راه‌های پیشگیری از آن»، *معرفت*، شماره ۹۱، صفحات ۳۵-۴۶.
- فیضی سخا، مهدی (۱۳۹۸)، «محقق سبزواری و رویکرد مرآتی و سلوکی وی در روضه‌الانوار عباسی»، *تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، شماره ۴۱، صفحات ۱۱۷-۱۳۸.

کازمی راشد، منیره (۱۳۹۵)، «آسیب‌شناسی انحطاط صفویه: فروپاشی از درون»، پژوهش‌نامه تاریخ، شماره ۴۴، صفحات ۱۱۵-۱۲۶.

کافی، مجید (۱۳۹۸)، جامعه‌شناسی تاریخی؛ مبانی، مفاهیم و نظریه‌ها، چاپ ۳، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 کرکی، علی بن الحسین و دیگران (۱۳۷۰)، *الخراجیات*، قم، جامعه مدرسین.
 کشاورز، زهراسادات؛ چلونگر، محمدعلی؛ منتظرالقائم، اصغر (۱۳۹۶)، «تبیین و تحلیل نقش طبقات اجتماعی در فرایند تمدنی دولت صفویه»، *تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، شماره ۳۴، صفحات ۱۳۹-۱۶۵.
 لک‌زایی، نجف (۱۳۸۰)، *اندیشه سیاسی محقق سبزواری*، قم، بوستان کتاب.
 لک‌زایی، نجف؛ باقریان، زهره (۱۳۸۸)، «نگرش تاریخی محقق سبزواری در کتاب *روضه‌الانوار عباسی*»، *تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، شماره ۳۷، صفحات ۷-۳۶.

مدرسی تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۹)، *ریحانه الادب*، جلد ۵، چاپ ۳، تهران، کتاب‌فروشی خیام.
 مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، *مجموعه آثار*، جلد ۱۳، چاپ ۲، تهران، صدرا.
 _____ (۱۳۷۵)، *فلسفه تاریخ*، جلد ۱، تهران، صدرا.
 _____ (۱۳۷۶)، *آسیب‌شناسی دینی از منظر استاد شهید مطهری*، به اهتمام سید مهدی جهرمی و محمد باقری، تهران، هماهنگ.

_____ (۱۳۸۰)، *احیای تفکر اسلامی*، تهران، صدرا.
 _____ (۱۳۸۸)، *ده گفتار*، چاپ ۲۸، تهران، صدرا.
 مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۷۹)، *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الازدهان*، الجلد الثامن، قم: جامعه مدرسین.

موسوی خوانساری، محمدباقر (۱۳۹۰ ق)، *روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات*، الجلد الرابع، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، قم، دهقان.

مهدوی، سید مصلح‌الدین (۱۳۷۱)، *خاندان شیخ‌الاسلام اصفهان*، اصفهان، گل‌بهار.
 نجفی، موسی (۱۳۹۸)، *بصیرت تاریخی؛ اصول شناخت تاریخ تحولات معاصر ایران*، اصفهان، آرما.
 نوایی، عبدالحسین؛ غفاری‌فرد، عباس‌قلی (۱۳۹۰)، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه*، تهران، سمت.

نیک‌زاد، علی‌اکبر؛ رفیعی، امیر تیمور (۱۳۹۴)، «مشروعیت نظم سلطانی در نگرش سیاست‌نامه‌نویسان شیعی عصر صفوی»، *شیعه‌پژوهی*، دوره ۱، شماره ۴، صفحات ۱۰۵-۱۲۴.
 هولت، پی‌ام؛ لمبتون، ان.ک.س؛ لوئیس، برنارد (۱۳۸۷)، *تاریخ اسلام کمبریج*، جلد ۱، تهران، مهتاب.